



بررسی پدیده تک‌فرزندی با استفاده از نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

مهدی وحدتی

سید مسعود حسینی

مهدی حسین‌پوری

صمد احسانی

رضا آذرگشایش



پژوهشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

زمستان ۱۳۹۲

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

قبل از اینکه پدیده تک‌فرزندی به عنوان یک مسئله حاد جمعیتی مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گیرد، محققان حوزه سلامت فردی و اجتماعی این پدیده را مورد توجه و بررسی قرار داده بودند. این محققان در تحقیقات خود وضعیت روانی و اجتماعی تک‌فرزندان و حتی والدین آن‌ها را در مقایسه با سایر فرزندان که در خانوارهای چند فرزند اقامت دارند و یا رشد یافته‌اند مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌دهند.

با توجه به کاهش رشد جمعیت در دهه سوم انقلاب اسلامی و افزایش نگرانی‌ها در مورد پیری جمعیت ایران، پدیده کاهش باروری و افزایش تک‌فرزندی مورد توجه جمعیت‌شناسان و صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. از منظر جمعیت‌شناسی یکی از دلایل مهم کاهش نرخ باروری، افزایش خانوارهای تک‌فرزند می‌باشد بنابراین بررسی دلایل و نظریات کاهش باروری می‌تواند تا اندازه زیادی در مورد افزایش پدیده تک‌فرزندی نیز مصداق داشته باشد.

مقایسه نتایج سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در سطح کل کشور و مخصوصاً استان‌هایی نظیر گیلان، مازندران، گلستان، تهران، البرز و آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که پدیده تک‌فرزندی در حال افزایش است. شیوع پدیده تک‌فرزندی تنها یک مسئله حاد جمعیتی نیست. پدیده تک‌فرزندی مانند هر مسئله اجتماعی دیگر معلول بعضی از شرایط و علت بسیاری از شرایط دیگر است. هرچند که این پدیده ممکن است ناشی از شرایط اجتناب‌ناپذیر رشد و توسعه کشور باشد اما متخصصان و سیاست‌گذاران جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی بر این باورند که دامنه عوارض این پدیده بسیار وسیع می‌باشد. آن‌ها معتقدند که جنبه‌های مختلف تک‌فرزندی باید دقیقاً شناسایی شود و برای معضلات ناشی از آن برنامه‌ریزی صورت گیرد. نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از مهم‌ترین منابع شناخت تک‌فرزندی است. مجموعه حاضر یکی از اولین پژوهش‌های انجام شده در خصوص پدیده تک‌فرزندی است که در آن سعی شده است تا با استفاده از منابع سرشماری، این مسئله مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

این پروژه با حمایت‌های مالی و فنی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) و با همکاری مرکز آمار ایران و پژوهشکده آمار به اجرا درآمده است. این مطالعه حاصل تلاش آقایان مهدی وحدتی، سید مسعود حسینی، مهدی حسین‌پوری، صمد احسانی و رضا آذر گشایش است که بدین‌وسیله از زحمات ایشان تشکر و قدردانی می‌شود.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

فهرست مطالب

۱	کلیات	۱
۱-۱	طرح مسئله	۱
۲-۱	اهداف	۱
۱-۲-۱	هدف اصلی	۲
۲-۲-۱	اهداف تفصیلی	۲
۳-۱	اهمیت تحقیق	۲
۴-۱	تعاریف و مفاهیم	۳
۵-۱	سؤالات تحقیق	۶
۶-۱	نظریات	۷
۷-۱	مروری بر مطالعات قبلی	۱۰
۱-۷-۱	داخل کشور	۱۱
۲-۷-۱	خارج کشور	۱۳
۱-۲-۷-۱	تمایل به تک‌فرزندی	۱۳
۲-۲-۷-۱	تک‌فرزندی و تحصیلات	۱۶
۳-۲-۷-۱	سیاست‌های دولتی و تک‌فرزندی	۱۶
۴-۲-۷-۱	تک‌فرزندی و عوامل اقتصادی	۱۷
۲	روش‌شناسی	۱۹
۱-۲	روش آماری	۱۹
۲-۲	جامعه آماری	۱۹
۳-۲	دلایل انتخاب جامعه آماری	۲۰
۴-۲	متغیرهای مورد مطالعه	۲۱
۱-۴-۲	متغیرهای اجتماعی	۲۱
۲-۴-۲	متغیرهای اقتصادی	۲۱
۳-۴-۲	سایر متغیرها	۲۱
۵-۲	پردازش داده‌ها	۲۱
۶-۲	محدودیت‌های تحقیق	۲۱
۲۳	یافته‌های پژوهش	۲۳

۲۳	۱-۳-۱- مشخصات اجتماعی
۲۳	۱-۳-۱-۱- تعداد خانوارهای تک‌فرزند
۳۱	۱-۳-۲- نسبت با سرپرست خانوار
۳۳	۱-۳-۳- تعداد زنان سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار ۳۵ سال و بیشتر دارای فرزند زنده
۴۰	۱-۳-۴- محل زندگی فرزند
۴۱	۱-۳-۵- بعد خانوار زنان تک‌فرزند
۴۵	۱-۳-۶- گروه‌های سنی زنان تک‌فرزند و همسر آنان
۵۵	۲-۳-۱- مشخصات تحصیلی
۶۶	۳-۳-۱- کار و فعالیت
۶۶	۳-۳-۱-۱- وضع فعالیت
۶۶	۳-۳-۱-۱-۱- وضع فعالیت زنان
۷۷	۳-۳-۱-۲- وضع فعالیت شوهران
۸۸	۳-۳-۲- وضع شغلی
۸۸	۳-۳-۲-۱- وضع شغلی زنان
۹۹	۳-۳-۲-۲- وضع شغلی شوهران
۱۰۹	۳-۳-۳- گروه‌های عمده فعالیت
۱۰۹	۳-۳-۳-۱- گروه‌های عمده فعالیت زنان
۱۱۸	۳-۳-۳-۲- گروه‌های عمده فعالیت شوهران
۱۲۸	۳-۳-۴- گروه‌های عمده شغلی
۱۲۸	۳-۳-۴-۱- گروه‌های عمده شغلی زنان
۱۴۰	۳-۳-۴-۲- گروه‌های عمده شغلی شوهران
۱۵۴	۴-۳-۱- زناشویی و دین
۱۵۴	۴-۳-۱-۱- وضع زناشویی
۱۶۰	۴-۳-۲- دین
۱۶۵	۴-۱- خلاصه، جمع‌بندی و پیشنهادات
۱۶۵	۴-۱-۱- خلاصه
۱۷۰	۴-۲- جمع‌بندی
۱۷۲	۴-۳- پیشنهادات
۱۷۳	مرجع‌ها

فهرست جداول

- جدول ۱-۲- درصد ولادت جاری ثبت شده به تفکیک گروه سنی مادران در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۲۱
- جدول ۱-۳- تعداد خانوارهای تک‌فرزند کل کشور (۱۳۹۰-۱۳۶۵) ۲۵
- جدول ۲-۳- تعداد و نسبت خانوارهای تک‌فرزند به کل خانوارهای کشور (۱۳۹۰-۱۳۶۵) ۲۸
- جدول ۳-۳- نسبت تعداد خانوارهای تک‌فرزند به تعداد کل خانوارها برحسب مناطق شهری و روستایی به تفکیک استان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۳۰
- جدول ۴-۳- تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب نسبت آنان با سرپرست خانوار به تفکیک نقاط شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۳۱
- جدول ۵-۳- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده به تفکیک نسبت آنان با سرپرست خانوار برحسب مناطق شهری و روستایی (۱۳۹۰-۱۳۸۵) ۳۲
- جدول ۶-۳- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده آن‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۳۴
- جدول ۷-۳- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده آن‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۳۴
- جدول ۸-۳- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده به تفکیک استان (۱۳۸۵-۱۳۹۰) ۳۵
- جدول ۹-۳- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند در کل کشور (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۳۹
- جدول ۱۰-۳- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب محل زندگی فرزند ۴۰
- جدول ۱۱-۳- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب محل زندگی فرزند ۴۱
- جدول ۱۲-۳- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب تعداد اعضای خانواری که در آن زندگی می‌کنند به تفکیک نقاط شهری و روستایی (۱۳۸۵-۱۳۹۰) ۴۲

جدول ۳-۱۳- توزیع نسبی تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیشتر دارای یک فرزند زنده به تفکیک بعد خانوار آن‌ها و بر حسب مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵-۱۳۹۰) ۴۳

جدول ۳-۱۴- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب تعداد اعضای خانواری که در آن زندگی می‌کنند (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) - کل کشور ۴۴

جدول ۳-۱۵- تعداد زنان (سرپرست و همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب گروه‌های سنی آن‌ها و به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۴۶

جدول ۳-۱۶- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب گروه‌های سنی آن‌ها و به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۴۷

جدول ۳-۱۷- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب گروه‌های سنی آن‌ها در کل کشور (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۴۸

جدول ۳-۱۸- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب گروه‌های سنی همسر به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۵۰

جدول ۳-۱۹- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب گروه‌های سنی همسر به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۵۰

جدول ۳-۲۰- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده بر حسب گروه‌های سنی همسر در کل کشور (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۵۲

جدول ۳-۲۱- الگوی سنی زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده و همسران آن‌ها در سال ۱۳۹۰ ۵۵

جدول ۳-۲۲- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و یا بیشتر دارای فرزند زنده بر حسب پایه و یا مدرک تحصیلی و تعداد فرزند زنده آن‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۵۶

جدول ۳-۲۳- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و یا بیشتر دارای فرزند زنده بر حسب پایه و یا مدرک تحصیلی و تعداد فرزند زنده آن‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۵۷

جدول ۳-۲۴- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای فرزند زنده بر حسب پایه و یا مدرک تحصیلی و تعداد فرزند زنده آن‌ها در سال ۱۳۹۰ ۶۰

جدول ۳-۲۵- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای فرزند زنده بر حسب تعداد فرزند زنده و پایه و یا مدرک تحصیلی همسر آنان در سال ۱۳۹۰ به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۶۴

جدول ۳-۲۶- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و پایه و یا مدرک تحصیلی همسر آنان در سال ۱۳۹۰ به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۶۴

جدول ۳-۲۷- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع فعالیت و تعداد فرزند زنده آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۶۷

جدول ۳-۲۸- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع فعالیت و تعداد فرزند زنده آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۶۸

جدول ۳-۲۹- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع فعالیت و تعداد فرزند زنده آنان در سال ۱۳۹۰ ۷۰

جدول ۳-۳۰- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع فعالیت همسر آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۷۸

جدول ۳-۳۱- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع فعالیت همسر آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۷۹

جدول ۳-۳۲- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع فعالیت همسر آنان در سال ۱۳۹۰ ۸۴

جدول ۳-۳۳- تعداد زنان شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی آنان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۸۸

جدول ۳-۳۴- توزیع نسبی تعداد زنان شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی آنان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۹۰

جدول ۳-۳۵- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی آنان در سال ۱۳۹۰ ۹۴

جدول ۳-۳۶- تعداد زنان ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی همسر آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۹۹

جدول ۳-۳۷- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی همسر آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۰۱

جدول ۳-۳۸- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی همسر آنان به تفکیک استان در سال ۱۳۹۰ ۱۰۳

جدول ۳-۳۹- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و گروه‌های عمده فعالیت آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۰۹

جدول ۳-۴۰- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و گروه‌های عمده فعالیت آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۱۴

جدول ۳-۴۱- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده فعالیت همسر آنان و تعداد فرزند زنده به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۱۹

جدول ۳-۴۲- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده فعالیت همسر آنان و تعداد فرزند زنده به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۲۲

جدول ۳-۴۳- تعداد زنان شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی و تعداد فرزند زنده آنان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۲۸

جدول ۳-۴۴- توزیع نسبی تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی و تعداد فرزند زنده آنان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۳۱

جدول ۳-۴۵- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی و تعداد فرزند زنده آنان در سال ۱۳۹۰- کل کشور ۱۳۳

جدول ۳-۴۶- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیشتر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی و تعداد فرزند زنده آنان در سال ۱۳۹۰- کل کشور ۱۳۷

جدول ۳-۴۷- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی همسر آنان و تعداد فرزند زنده به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۴۱

جدول ۳-۴۸- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی همسر آنان و تعداد فرزند زنده به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۴۲

جدول ۳-۴۹- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی همسر آنان و تعداد فرزند زنده در کل کشور در سال ۱۳۹۰ ۱۴۷

جدول ۳-۵۰- تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع زناشویی و تعداد فرزند زنده آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۵۵

جدول ۳-۵۱- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع زناشویی و تعداد فرزند زنده آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۵۵

جدول ۳-۵۲- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع زناشویی و تعداد فرزند زنده آنان در کل کشور در سال ۱۳۹۰ ۱۵۷

جدول ۳-۵۳- تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و دین سرپرست خانواری که در آن زندگی می‌کنند به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۶۱

جدول ۳-۵۴- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و دین سرپرست خانواری که در آن زندگی می‌کنند به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۶۲

فهرست شکل‌ها

- شکل ۳-۱- نسبت تعداد خانوارهای تک‌فرزند به کل خانوارهای کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۹۰-۱۳۶۵) ۲۹
- شکل ۳-۲- توزیع نسبی تعداد زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب نسبت آن‌ها با سرپرست خانوار ۳۳
- شکل ۳-۳- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۳۶
- شکل ۳-۴- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده به تفکیک استان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۳۷
- شکل ۳-۵- تغییرات نسبت تک‌فرزندی در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست خانوار) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۳۸
- شکل ۳-۶- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب محل زندگی فرزند ۴۱
- شکل ۳-۷- توزیع نسبی تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند برحسب بعد خانواری که در آن زندگی می‌کنند کل کشور (۱۳۸۵-۱۳۹۰) ۴۳
- شکل ۳-۸- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر تک‌فرزند برحسب گروه‌های سنی آن‌ها و به تفکیک مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) ۴۷
- شکل ۳-۹- توزیع نسبی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده برحسب گروه‌های سنی همسر ۵۱
- شکل ۳-۱۰- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب پایه و یا مدرک تحصیلی آن‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۵۹
- شکل ۳-۱۱- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب پایه و یا مدرک تحصیلی در سال ۱۳۹۰ ۶۳
- شکل ۳-۱۲- نسبت تک‌همسری در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب پایه و یا مدرک تحصیلی همسر آنان در سال ۱۳۹۰ به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۶۵

شکل ۳-۱۳- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند برحسب وضع فعالیت آن‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۶۹

شکل ۳-۱۴- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر شاغل دارای فرزند زنده در سال ۱۳۹۰ ۷۴

شکل ۳-۱۵- تک‌فرزندی در بین زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر بیکار دارای فرزند زنده در سال ۱۳۹۰ ۷۵

شکل ۳-۱۶- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر شاغل و یا بیکار دارای فرزند در سال ۱۳۹۰ ۷۶

شکل ۳-۱۷- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند بر حسب فعالیت همسر آن‌ها به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۸۰

شکل ۳-۱۸- نسبت تک همسری در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده و همسر شاغل ۸۱

شکل ۳-۱۹- نسبت تک همسری در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده دارای همسر بیکار ۸۲

شکل ۳-۲۰- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند در سال ۱۳۹۰ برحسب وضع شغلی همسر ۸۳

شکل ۳-۲۱- نسبت تک‌فرزندی در میان زنان شاغل ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند زنده به تفکیک وضع شغلی در سال ۱۳۹۰ ۹۱

شکل ۳-۲۲- نسبت تک‌فرزندی در میان زنان شاغل ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند برحسب وضع شغلی در سال ۱۳۹۰ ۹۲

شکل ۳-۲۳- نسبت تک‌فرزندی در میان زنان کارکن مستقل ۳۵ سال و بیش‌تر دارای فرزند در سال ۱۳۹۰ ۹۳

شکل ۳-۲۴- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان ۳۵ سال و بیش‌تر حداقل یکبار ازدواج کرده دارای فرزند زنده برحسب وضع شغلی همسر آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۰۲

شکل ۳-۲۵- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان ۳۵ سال و بیش‌تر حداقل یکبار ازدواج کرده دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و وضع شغلی همسر آنان در سال ۱۳۹۰ ۱۰۸

شکل ۳-۲۶- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده فعالیت ۱۱۳

شکل ۳-۲۷- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب تعداد فرزند زنده و گروه‌های عمده فعالیت آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۱۷

شکل ۳-۲۸- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده فعالیت آنان در کل کشور در سال ۱۳۹۰ ۱۱۸

شکل ۳-۲۹- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده فعالیت همسر آنان و تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۲۶

شکل ۳-۳۰- مقایسه نسبت تک‌فرزندی در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند برحسب گروه‌های عمده شغلی زن و شوهر در سال ۱۳۹۰ ۱۲۷

شکل ۳-۳۱- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ سال و بیش‌تر برحسب وضع شغلی و تعداد فرزند در سال ۱۳۹۰ ۱۳۰

شکل ۳-۳۲- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۳۲

شکل ۳-۳۳- نسبت تک‌فرزندی در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) شاغل ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی در سال ۱۳۹۰ ۱۳۶

شکل ۳-۳۴- تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی همسر آنان و تعداد فرزند زنده در سال ۱۳۹۰ ۱۴۴

شکل ۳-۳۵- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی همسر آنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۱۴۵

شکل ۳-۳۶- مقایسه نسبت تک‌فرزندی در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند برحسب گروه‌های عمده شغلی زن و شوهر در سال ۱۳۹۰ ۱۴۶

شکل ۳-۳۷- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب گروه‌های عمده شغلی همسر آنان در سال ۱۳۹۰ ۱۵۳

شکل ۳-۳۸- نسبت تک‌فرزندی در میان زنان ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع زناشویی به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۵۶

شکل ۳-۳۹- نسبت تک‌فرزندی در میان زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب وضع زناشویی در سال ۱۳۹۰ ۱۵۹

شکل ۳-۴۰- نسبت تک‌فرزندی در بین زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای فرزند زنده برحسب دین سرپرست خانواری که در آن زندگی می‌کنند به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۱۶۳

کلیات

۱-۱- طرح مسئله

با توجه به نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، بسیاری از جمعیت‌شناسان روند کاهشی نسبتاً ملایمی را برای رشد جمعیت و نرخ باروری پیش‌بینی کرده بودند اما نتایج سرشماری ۱۳۹۰ نشان داد که این روند کاهشی از شدت زیادی برخوردار است. بر این اساس صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی جامعه و پیرو آن سیاست‌گزاران کلان کشور نسبت به پیامدهای این موضوع ابراز نگرانی کرده و درصدد هستند برای کاهش نرخ رشد جمعیت و تخفیف آثار سوء این پدیده به ارائه راهکارهای عملی بپردازند.

یکی از دلایل مهم کاهش نرخ رشد جمعیت، کاهش نرخ باروری و افزایش تعداد خانوارهای تک‌فرزند است. از دیدگاه بعضی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، پدیده تک‌فرزندی تنها یک مسئله جمعیتی نیست. این افراد معتقدند که شرایط روانی و اجتماعی فرزندان تربیت شده در این خانواده‌ها و حتی والدین آن‌ها به‌طور نسبی مناسب و مطابق با الگوهای استاندارد نیست لذا مطالعه پدیده تک‌فرزندی می‌تواند تیوری‌ها و ویژگی‌های اختصاصی خود را داشته باشد.

با توجه به خصوصیات اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، بررسی پدیده تک‌فرزندی سال‌ها پیش در این کشورها آغاز شده است و در این ارتباط متأسفانه کشور ما در آغاز راه می‌باشد. بدون شک انجام این‌گونه تحقیقات و تولید اطلاعات مرتبط با پدیده تک‌فرزندی می‌تواند شرایط تحلیل این مسئله اجتماعی و نحوه برخورد با این معضل را بیش‌تر فراهم کند.

۱-۲- اهداف

اهداف اصلی و تفصیلی این بررسی به شرح زیر است.

۱-۲-۱- هدف اصلی

در این بررسی سعی می‌شود ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده و خصوصیات خانوارهای آن‌ها در کل کشور و در استان‌های مختلف شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲-۲- اهداف تفصیلی

- شناسایی روند تعداد خانوارهای تک‌فرزند در سرشماری‌های اجرا شده در سطح کل کشور، استان‌های مختلف و در مناطق شهری و روستایی
- بررسی توزیع استانی تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده
- بررسی توزیع زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده در مناطق شهری و روستایی
- بررسی وضع تحصیلاتی زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده و همسران آن‌ها
- بررسی وضع فعالیت اقتصادی زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ ساله و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده و همسران آن‌ها
- بررسی وضع زناشویی (سرپرست و یا همسر سرپرست) زنان ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده
- بررسی تک‌فرزندی در ادیان مختلف

۱-۳- اهمیت تحقیق

تحقیق حاضر دارای اهمیت نظری و کاربردی فراوانی می‌باشد و گامی در پاسخ به سؤالاتی است که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم در مورد تک‌فرزندی مطرح شده‌اند. همچنین این تحقیق به شناخت بیش‌تر ما از پدیده تک‌فرزندی کمک می‌کند. این پژوهش پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تک‌فرزندی را که هم‌پای دیگر تغییر و تحولات اجتماعی در جامعه رخ می‌دهد بررسی می‌کند. گرایش به تک‌فرزندی می‌تواند از منظر یک تمایل فردی و یا یک موقعیت اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. گرایش و تمایل به تک‌فرزندی باعث می‌شود تعداد و نسبت خانوارهای تک‌فرزند در جامعه افزایش پیدا کند و جامعه با کاهش رشد جمعیت و در نهایت کهنسالی روبرو شود. گرایش زنان و خانواده‌ها به تک‌فرزندی تنها یک مسئله جمعیتی نیست. فرآیند اجتماعی شدن فرزندان که در خانواده‌های تک‌فرزند رشد می‌کنند در مقایسه با سایر فرزندان، از شرایط متفاوتی برخوردار است. امروزه آگاهی از تک‌فرزند بودن یک کودک یکی از مهم‌ترین متغیرهای مورد نیاز روانشناسان، آسیب‌شناسان اجتماعی و متخصصان آموزشی در تحلیل و بررسی رفتارهای یک کودک و یا حتی والدین آن‌ها است. در همین راستا سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی می‌باید برای تدوین خطوط کلی برنامه‌های خود، روند و چگونگی افزایش پدیده تک‌فرزندی در کل جامعه و یا در گروه‌های ویژه اجتماعی را مورد مشاهده دقیق قرار دهند.

یکی از موضوعات مهم در کشورهایی که تک‌فرزندی در آن‌ها شیوع پیدا کرده شناسایی و نحوه برخورد با این معضل فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی است. باید تاکید شود که پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی تک‌فرزندی از ابعاد فردی این موضوع بسیار فراتر می‌باشد. به دلیل اهمیت این پژوهش سازمان‌های مختلفی از جمله سازمان صدا و سیما، وزارت کشور، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، استانداری‌ها، وزارت آموزش و پرورش و در سطح بین‌المللی صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) و دیگر نهادهای دولتی و یا تحقیقاتی می‌توانند از نتایج آن استفاده کنند.

۱-۴- تعاریف و مفاهیم

بعضی از مهم‌ترین تعاریف و مفاهیم به کار گرفته شده در این نوشته به شرح زیر می‌باشد:

خانوار معمولی

خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. در مواردی خانوار معمولی می‌تواند یک نفره باشد.

خانوار معمولی ساکن

خانواری که در اقامتگاه ثابت (مکان‌های محل سکونت ساخته شده از مصالح سخت و نیز چادر ثابت، آلونک، کپر و ...) سکونت دارد، «خانوار معمولی ساکن» نامیده می‌شود.

خانوار معمولی غیر ساکن

خانواری که در زمان سرشماری در اقامتگاه ثابتی سکونت ندارند.

شهر (نقطه شهری)

منظور از شهر، هر یک از نقاط جغرافیایی است که دارای شهرداری باشد.

آبادی (نقطه روستایی)

آبادی محدوده‌ای است واقع در یک دهستان، با حدود ثبتي یا عرفی مستقل و خارج از محدوده شهرها یا آبادی دیگر که به دلیل وجود فعالیت انسان در تمام یا بخشی از آن، قابل تشخیص و معمولاً دارای نام خاصی است. آبادی یک نقطه جغرافیایی محسوب می‌شود و شامل اراضی کشاورزی و یا غیر کشاورزی و اماکن محل فعالیت یا سکونت انسان است. آبادی ممکن است یک ده، یک مزرعه، یک مکان، یک معدن و امثال آن باشد.

سن

منظور از سن، تعداد سال‌های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است.

باسواد

افرادی که می‌توانند به فارسی یا به هر زبان دیگری متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند باسواد تلقی می‌شود.

همه محصلان از جمله نوآموزان سال اول ابتدایی و سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز باسواد به حساب می‌آیند.

سرپرست خانوار

منظور از "سرپرست خانوار"، عضوی از خانوار است که سایر اعضا او را به این عنوان می‌شناسند. لازم به ذکر است سرپرست خانوار عضوی از خانوار است که معمولاً مسیولیت تامین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های

خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد آن را بر عهده دارد. سرپرست خانوار لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند زن یا مرد باشد و معمولاً بیش از ده سال سن دارد.

پایه، دوره یا مدرک تحصیلی

پایه، دوره یا مدرک تحصیلی برای افراد در حال تحصیل و افراد غیر محصل بر اساس سطوح، چارچوب‌ها و توصیه‌های طبقه‌بندی بین‌المللی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی^۱ و انطباق آن با نظام آموزشی کشور در گذشته و حال تنظیم شده است.

کار

کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) است که به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیرنقدی) انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد.

وضع فعالیت

وضع فعالیت افراد در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری مورد نظر است. هر یک از افراد از این نظر و با توجه به تعریف کار، در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:

شاغل: فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار کرده، هر چند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود.

بیکار: افرادی که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند و دارای شغلی نیز نبوده‌اند در صورت داشتن دو شرط زیر بیکار محسوب می‌شوند.

۱- در ۳۰ روز گذشته برای جستجوی کار، اقدامات مشخصی را نظیر ثبت نام یا پیگیری در مؤسسات کاریابی، پرس و جو از دوستان، تماس با کارفرمایان، مطالعه آگهی‌های استخدامی و... انجام داده باشند.

۲- آماده به کار باشند، یعنی طی یک دوره ۱۵ روزه شامل ۷ روز گذشته و ۷ روز آینده آمادگی شروع کار را داشته باشند.

جمعیت فعال اقتصادی

تمامی اعضای یک گروه سنی تعریف شده که در هفت روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری شاغل و یا بیکار بوده‌اند جمعیت "فعال اقتصادی" به شمار می‌آیند.

جمعیت غیرفعال اقتصادی

تمامی اعضای یک گروه سنی تعریف شده که در هفت روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری شاغل و یا بیکار نبوده‌اند جمعیت "غیرفعال اقتصادی" به شمار می‌آیند.

چهار گروه زیر جزء جمعیت غیرفعال اقتصادی به شمار می‌روند.

محصل: افرادی که شاغل یا بیکار نباشند و طبق برنامه‌های آموزش رسمی کشور در حال تحصیل هستند یا در خارج از کشور مشغول به تحصیل هستند.

خانه‌دار: افرادی که مشغول انجام وظایف خانه‌داری هستند.

دارای درآمد بدون کار: کسانی که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل محسوب نمی‌شوند و دارای درآمد حاصل از بازنشستگی، املاک و مستغلات، سود سهام، سپرده‌ها و... هستند، دارای درآمد بدون کار محسوب می‌شوند.

^۱ -International Standard Classification of Education

سایر: کسانی که در هیچ‌یک از گروه‌های بالا قابل طبقه‌بندی نیستند، در گروه سایر قرار می‌گیرند.
گروه عمده شغلی

با بررسی مشاغل موجود در کشور و انطباق آن‌ها با طبقه‌بندی بین‌المللی مشاغل (ISCO-۸۸)^۲، تمایز مشاغل به ۱۰ گروه بزرگ تقسیم شده است. هر یک از این گروه‌ها که در فهرست مربوط با یک عدد (کد) یک رقمی مشخص شده است، گروه عمده شغلی نامیده می‌شود.

گروه‌های عمده فعالیت

فعالیت‌های اقتصادی ایران بر اساس طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)^۳ طبقه‌بندی شده است. هدف عمده این طبقه‌بندی شناسایی نوع فعالیت افراد یا موسسات و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس نظام استاندارد بین‌المللی است.

افراد شاغل از نظر وضع شغلی در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:

کارفرما: به کسی گفته می‌شود که برای انجام فعالیت‌های شغلی خود حداقل یک نفر مزد و حقوق بگیر در استخدام داشته باشد کسانی که در انجام فعالیت‌های شغلی خود، فقط از کارکنان فامیلی بدون مزد استفاده می‌کنند، کارفرما به حساب نمی‌آیند.

کارکن مستقل: به کسی گفته می‌شود که برای انجام فعالیت‌های شغلی خود مزد و حقوق بگیر، در استخدام نداشته باشد و خود نیز مزد و حقوق نگیرد.

مزد و حقوق بگیر بخش عمومی: به افرادی گفته می‌شود که در وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و همچنین دیگر مؤسسات عمومی مانند بانک‌های عمومی و شهرداری‌ها کار می‌کنند و در مقابل کاری که انجام می‌دهند مزد و حقوق (نقدی و یا غیرنقدی) دریافت می‌کنند. **مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی:** به فردی گفته می‌شود که با دریافت مزد و حقوق (نقدی و یا غیرنقدی) برای افراد یا مؤسسات خصوصی کار می‌کند.

مزد و حقوق بگیر بخش تعاونی: به کسی گفته می‌شود که با دریافت مزد و حقوق (نقدی و یا غیرنقدی) برای شرکت‌های تعاونی کار می‌کند.

کارکن فامیلی بدون مزد: فردی را که برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی نیز دارد، کار می‌کند و از این بابت مزد و حقوق دریافت نمی‌کند، کارکن فامیلی بدون مزد به حساب می‌آید.

وضع زناشویی

دارای همسر: زنان یا مردانی که عقد کرده‌اند (دایم یا موقت)، حتی اگر زندگی مشترک را آغاز نکرده باشند، دارای همسر محسوب می‌شوند.

بی‌همسر به دلیل فوت همسر: زنان یا مردانی که همسرشان فوت کرده است و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی‌همسر به دلیل فوت همسر شناخته می‌شوند.

بی‌همسر به دلیل طلاق: زنان یا مردانی که از همسر خود به دلیل طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی‌همسر به دلیل طلاق تلقی می‌شوند.

^۲ - International Standard Classification of Occupations

^۳ - International Standard Industrial Classification

هرگز ازدواج نکرده: زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری همسر اختیار نکرده‌اند، هرگز ازدواج نکرده شناخته می‌شوند. زنان یا مردانی که نامزد شده ولی هنوز عقد نکرده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

خانوار تک‌فرزند

خانواری که در آن فقط یک نفر به عنوان فرزند سرپرست خانوار وجود دارد.

فرزند در حال حاضر زنده

تعداد کل فرزندان در حال حاضر زنده برای هر زن حداقل یک بار ازدواج کرده، تعداد فرزندان است که از وی متولد شده‌اند و در زمان سرشماری زنده هستند حتی اگر با خانوار مورد سرشماری یا با خانوار دیگری زندگی کنند و یا حاصل از یک ازدواج یا ازدواج‌های متعدد باشند.

۱-۵- سوالات تحقیق

بسیاری از محققان بر این باورند که پایه و اساس یک تحقیق، طرح یک سوال و پاسخ به آن می‌باشد. بر همین اساس یکی از بخش‌های مهم و کاربردی هر تحقیق، مشخص شدن سوالات آن می‌باشد. مخاطبان حرفه‌ای با استفاده از این بخش می‌توانند خیلی سریع متوجه شوند که موضوع اصلی تحقیق چیست و باید منتظر چه پاسخ‌هایی باشند. مهم‌ترین سوالات این تحقیق به شرح زیر است:

- ۱- تعداد خانوارهای تک‌فرزند از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ چگونه تغییر کرده است؟
- ۲- ویژگی توزیع تک‌فرزندی در استان‌های مختلف چگونه می‌باشد؟
- ۳- نسبت تعداد خانوارهای تک‌فرزند به تعداد خانوارهای کل کشور طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ چگونه تغییر کرده است؟
- ۴- تعداد فرزندان به دنیا آمده در گروه‌های سنی مادران در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ چگونه تغییر کرده است؟
- ۵- بعد خانوار زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ چگونه تغییر کرده است؟
- ۶- طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده چگونه تغییر کرده است؟
- ۷- طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده در استان‌های کشور چگونه تغییر کرده است؟
- ۸- الگو و گروه‌های سنی زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده و همسرانشان طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ چگونه توزیع شده است؟
- ۹- زنان ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ عموماً دارای چه نسبتی با سرپرست خانوار می‌باشند؟
- ۱۰- وضعیت ازدواج زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیش‌تر دارای یک فرزند زنده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ چگونه تغییر کرده است؟
- ۱۱- توصیه‌های پزشکی در مورد سن فرزندآوری چگونه می‌باشد؟
- ۱۲- آیا با افزایش سطح تحصیلات زنان و همسر آن‌ها، پدیده تک‌فرزندی در بین آن‌ها بیش‌تر دیده می‌شود؟

۱۵- آیا به طور نسبی تک‌فرزندی در زنان شاغل بیشتر دیده می‌شود؟

۱۶- زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده و همسر آن‌ها بیشتر در چه گروه‌های شغلی مشغول به کار می‌باشند؟

۱۷- وضع زناشویی زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده چگونه می‌باشد؟

۱۸- نسبت تعداد زنان (سرپرست و یا همسر سرپرست) ۳۵ سال و بیشتر دارای یک فرزند زنده در پیروان ادیان مختلف چگونه می‌باشد؟

۱-۶- نظریات

یکی از جلوه‌های کاهش باروری در جامعه، افزایش پدیده تک‌فرزندی می‌باشد. بنابراین، نظریه‌پردازی در حوزه باروری می‌تواند مصداق اصلی تیوری‌های مرتبط با مسئله تک‌فرزندی باشد. در این قسمت سعی می‌شود تا حد امکان تمایزات ظریف این دو مقوله (کاهش باروری و افزایش پدیده تک‌فرزندی) و بعضی از نظریات مهم حوزه باروری بیان شود.

در مقایسه با خانواده‌های بدون فرزند، داشتن یک فرزند برای والدین مزایای عاطفی و اجتماعی (فاستر، ۲۰۰۰) و امکان برقراری روابط اجتماعی بیشتر (شوین و همکاران، ۱۹۹۷) دارد. از اینرو دستیابی به مزایای عاطفی و اجتماعی را می‌توان رویکردی در تک‌فرزندی در مقایسه با خانواده‌های بدون فرزند دانست. اما همان‌طور که کوهلر (۲۰۰۰) بحث می‌کند در نظر گرفتن جنبه فردی باروری، هنگامی که تصمیم‌ها در یک محیط اجتماعی اتخاذ می‌شود کافی نیست. در بعضی موارد در خانواده‌های تک‌فرزند، فقدان موافقت اجتماعی می‌تواند به عنوان دلیل اصلی در عدم توقف تک‌فرزندی در نظر گرفته شود.

از طرف دیگر در مقایسه با خانواده‌های بزرگ‌تر، هزینه‌های گوناگون بچه‌داری در خانواده‌های تک‌فرزند کاهش می‌یابد. هرچند که دیویس، جوشی و پرونامی (۲۰۰۰) تخمین زده‌اند که حتی اگر هزینه فرزندان بعدی کمتر از فرزندان اول باشد، هنوز این احتمال قوی وجود دارد که تک‌فرزندی "ارزان‌ترین" گزینه برای کسانی باشد که مایل به داشتن تجربه به عنوان والدین هستند.

پدیده کاهش باروری و پیرو آن افزایش تعداد پدیده تک‌فرزندی توسط تیوری‌های مختلفی تفسیر می‌شود. یکی از این تیوری‌ها، تیوری "انتقال" کالدول^۴ می‌باشد که بر اساس آن هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد، بهره اقتصادی خانواده افزایش می‌یابد و تنها زمانی باروری کاهش می‌یابد که در یک فرآیند اقتصادی، فرزندان یک خانوار به عنوان عامل افزایش ثروت محسوب نشود (لوکاس ۱۳۸۴ ص ۳۸).

یکی دیگر از نظریاتی که به عوامل اقتصادی بهای زیادی می‌دهد، نظریه "عرضه و تقاضا" می‌باشد. پیروان این نظریه، خانواده را به عنوان یک بنگاه اقتصادی فرض کرده و معتقدند این نهاد میان تقاضا برای فرزند و میزان عرضه (باروری) فرزند تعادل ایجاد کرده و پس از یک بررسی اقتصادی میان کیفیت و کمیت فرزند، تعداد بچه‌های خود را تعیین می‌کنند. بر اساس این دیدگاه خانواده میان تقاضا برای فرزند و میزان عرضه (باروری)

^۴ -Caldwell

تعادل ایجاد کرده و به این باور می‌رسد که کاهش باروری، منافع اقتصادی آن‌ها را بیش‌تر تامین می‌کند (ویکس ۱۳۸۵ ص ۲۲۴).

در مطالعات اجتماعی، موضوع رابطه اندازه خانواده و تحصیلات غالباً با استفاده از بحث منابع منتهای توضیح داده می‌شود. والدین برای تخصیص آموزش به فرزندان خود، زمان، پول و صبر محدود دارند و لذا با فرزندان کمتر روی هر فرزند سرمایه‌گذاری بیش‌تری می‌توانند داشته باشند. نظریه منتهای بودن منابع، به خوبی با مفهوم کلاسیک رابطه جایگزینی کیفیت-کمیت در اقتصاد خانواده منطبق است (بیکر، ۱۹۹۱ و بیکر و تامس، ۱۹۷۶). بررسی خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارهای کوچک و خصوصاً تک‌فرزند نشان می‌دهد که نظریات مبتنی بر اهمیت عوامل اقتصادی نمی‌توانند به صورت مطلق رویکردهای کاهش باروری و افزایش پدیده تک‌فرزندی را تبیین کنند. برای مثال استرلین^۵ که مدل او به نظریه عرضه و تقاضا و هزینه‌های تنظیم معروف است، معتقد بود عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌توانند اثرات عوامل اقتصادی را در تعیین باروری کاهش دهد (حسینی، ۱۳۹۰).

آمارها و اطلاعات بیانگر این است که خانواده‌های مرفه تمایل کمتری به فرزندآوری دارند و حتی تک‌فرزندی در میان آن‌ها گسترش زیادی دارد. بنابراین میزان فرزندآوری لزوماً پاسخ مشخص و مستقیمی به سطوح اقتصادی خانواده نیست. برای مثال گزینه تک‌فرزندی برای افرادی که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردارند و برای اوقات فراغت خود نیز ارزش زیادی قایل می‌باشند و در عین حال می‌خواهند تجربه پدر و مادری داشته باشند، می‌تواند گزینه‌ی هیجان‌انگیز و مناسبی باشد.

چنین واقعیت‌هایی، رفتارهای باروری و پیش‌بینی آن‌ها را پیچیده کرده است و زمینه را برای ظهور فرضیاتی مانند فرضیه "درآمد نسبی" آماده می‌سازد. بر اساس این فرضیه، رفتارهای فرزندآوری فرد، پاسخی است به سطوحی متناسب با آنچه فرد به آن خو کرده است و در نتیجه این رفتارها در طبقات مختلف اجتماعی دارای ویژگی‌های مشخصی می‌باشد. برای مثال تعداد فرزندان خانواده در طبقات پایین اجتماعی، علی‌رغم مشکلات اقتصادی خانواده، به‌طور نسبی بیش‌تر از سایر خانواده‌ها می‌باشد.

یکی دیگر از نظریاتی که سعی می‌کند تمایزات ظریف خود را از رویکردهای اقتصادی تعیین باروری روشن سازد، نظریه "اشاعه نوآوری"^۶ است. در این نظریه تاثیر عوامل فرهنگی در رفتارهای باروری مردم مورد تأکید قرار گرفته است. پیروان این نظریه معتقدند که داشتن یک و یا دو فرزند و یا حتی استفاده از وسایل جلوگیری از باروری می‌تواند ناشی از اشاعه یک نوآوری باشد. این نوآوری می‌تواند یک بینش و یا رفتار باشد که بر طبق یک فرآیند "مدگرایی" در بین مردم رواج پیدا کرده است. بر این اساس، مردم یک جامعه می‌توانند در معرض تبلیغات و اشاعه الگوهای رفتاری جدید باشند که در نتیجه آن سطح باروری تغییر کند. هرچند که افزایش مجدد باروری در جامعه‌ای که کاهش آن را تجربه کرده است، بسیار بعید به نظر می‌رسد. در همین زمینه شاید بتوانیم به نظریه جان استوارت میل^۷ اشاره کنیم که معتقد بود استانداردهای زندگی یکی از عوامل مؤثر بر میزان باروری می‌باشد و بدیهی است که یکی از روش‌های تعیین استانداردهای زندگی اهمیت به مدگرایی می‌باشد.

^۵ -Easterlin

^۶ -Innovation

^۷ -Mill

یکی دیگر از نظریات قابل تامل در حوزه باروری به "اصل موبینگی اجتماعی" آرسن دومانت^۱ برمی‌گردد. او معتقد بود که با توسعه جوامع، اهمیت فردگرایی و کسب سرمایه فردی افزایش می‌یابد و داشتن فرزند کمتر بهایی است که افراد جامعه برای چنین رویکردی خواهند پرداخت.

بررسی رابطه فرزندآوری و مذاهب یکی دیگر از دغدغه‌های جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان می‌باشد. فرضیه "ویژگی‌ها و خصایص" یکی از فرضیاتی است که به بررسی این رابطه می‌پردازد. بر اساس این فرضیه میزان باروری نمایانگر تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مذهبی می‌باشد. بر این اساس شاخص‌های مذهبی به عنوان عوامل غیرمستقیم بر رفتارهای باروری تأثیر می‌گذارد. فرضیه "زمینه الهیات ویژه شده" یکی دیگر از این گونه فرضیات می‌باشد که بر اساس باورهای آن، توصیه‌ها و یا دستورات ویژه مذاهب به‌طور مستقیم موجب رفتارهای باروری خاصی می‌شود. برای نمونه کلیسای کاتولیک سقط جنین را به‌عنوان یک عامل مشروع کنترل موالید نمی‌پذیرد و یا اینکه انجام طلاق را بسیار نکوهش می‌کند. بدیهی است که سقط جنین و طلاق از جمله عواملی هستند که می‌توانند باروری را کاهش و در نوع حاد آن موجب تک‌فرزندی شوند. یکی دیگر از فرضیاتی که به زعم دیوید لوکاس و پاول میر سعی می‌کند چگونگی تأثیر مذهب بر تفاوت‌های باروری را تبیین کند، فرضیه "موقعیت گروه اقلیت" می‌باشد که بر اساس باورهای آن عدم امنیت و یا کاهش امنیت گروه‌های مذهبی اقلیت ممکن است در مقایسه با گروه اکثریت موجب کاهش باروری آن‌ها گردد (لوکاس، ۱۳۸۴، ۱۰۲).

بررسی این فرضیات نشان می‌دهد که آیین‌های مذهبی و دستورات آن فقط بر طبق فرضیه "زمینه الهیات ویژه شده" ارتباط مستقیمی با چگونگی باروری پیروان آن مذهب دارد و در نتیجه می‌توان آن را یک فرضیه کاملاً مرتبط پیرامون رابطه مذهب و میزان باروری دانست. برای مثال در مورد فرضیه موقعیت گروه اقلیت، ویژگی "اقلیت بودن" و احساس عدم امنیت پیرو آن موجب تغییر رفتار باروری می‌شود. گروه‌های اقلیت ممکن است بر اساس مذهب، قومیت، نژاد و یا عوامل دیگر شکل بگیرند و در نتیجه ممکن است تمام افراد منتسب به این گروه‌های اقلیت در معرض کاهش باروری قرار گیرند.

در برخی موارد سیاست‌های حکومتی می‌تواند باعث تک‌فرزندی در خانواده‌ها شود. در این زمینه می‌توان کشور چین را در نظر گرفت که سیاست تک‌فرزندی در آن به‌عنوان یکی از سیاست‌های ملی از سال ۱۹۷۸ اجرا شد.

بر مبنای مطالعه هو (۲۰۰۹) بعد از اجرای سیاست تک‌فرزندی، تغییرات زیادی در زمینه اجتماعی اقتصادی بوجود آمده است و زنان فرصت‌های بیشتری برای ارتقای وضعیت اجتماعی خود و ورود به‌عنوان نیروی کار دارند. در برخی از مناطق شهری، زنان زندگی شخصی خود را دارند و از لحاظ اقتصادی دارای استقلال بیشتری هستند. آن‌ها آزادی انتخاب بیشتری در طراحی باروری خود دارند. وقتی زنان نیاز به صرف انرژی بیشتری در شغل خود داشته باشند ترجیح می‌دهند از سیاست تک‌فرزندی حمایت کنند.

به‌طور کلی برخی از زنان مناطق شهری، خواهان پذیرش سیاست تک‌فرزندی به دلیل شرایط اجتماعی اقتصادی خود هستند. مشوق‌های اقتصادی و اشکال دیگر پاداش نیز خانواده‌های شهری را برای پذیرش و اجرای کنترل باروری تشویق می‌کنند.

^۱ -Dumont

یکی دیگر از افرادی که به عامل شهرنشینی اهمیت زیادی می‌دهد، مک دونالد^۹ می‌باشد. او معتقد است که زندگی شهری استقلال و برابری جنسیتی بیشتری را برای زنان فراهم می‌کند و زنان برای دستیابی و نگهداری این خصوصیت‌ها به کاهش فرزندآوری روی می‌آورند (عباسی شوازی، ۱۳۸۹، ۹).

در همین راستا می‌توان به دیدگاه افرادی مانند کساردا و بیلی^{۱۰} نیز اشاره کرد. آن‌ها معتقدند که زنان برای ارتقاء سطح اجتماعی و اقتصادی خود لزوماً تحرک اجتماعی خود را افزایش می‌دهند و کاهش فرزندآوری یکی از عواملی است که زمینه افزایش تحرک اجتماعی آنان را فراهم می‌سازد. (همان، ۸).

با توجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که "تک‌فرزندی" را می‌توان مانند "باروری" از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد اما در بررسی آن‌ها می‌باید به این سؤال پایه‌ای توجه کرد که آیا تک‌فرزندی و میزان باروری "اقتضای شرایط" است یا اینکه به عنوان "انتخاب خانواده" در نظر گرفته می‌شود. برای مثال زن و مردهایی وجود دارند که از ابتدای زندگی مشترک تصمیم به داشتن یک فرزند گرفته‌اند و در مقابل آن‌ها خانواده‌هایی هستند که به دلیل ناباروری پیش‌آمده و یا حتی طلاق و فوت همسر و سن بالای ازدواج نمی‌توانند فرزند دوم را داشته باشند و در واقع تک‌فرزندی به دلیل شرایط خاصی ایجاد شده است.

پاسخ دادن به سؤالات اساسی زیر می‌تواند بزرگترین تمایزات علل افزایش تک‌فرزندی و کاهش باروری را روشن سازد:

آیا می‌توان به صورت مطلق نظریه‌های کاهش باروری را بر رفتارهای خانوارهای تک‌فرزند منطبق دانست؟
 آیا پدیده تک‌فرزندی (به عنوان یکی از جلوه‌های کاهش باروری) در مقایسه با سایر شکل‌های کاهش باروری، بیش‌تر متأثر از انتخاب خانواده است و یا این‌که به‌طور عمده محصول یک شرایط ویژه اجتماعی-اقتصادی می‌باشد؟

۱-۷- مروری بر مطالعات قبلی

در حال حاضر در کشور ایران پدیده تک‌فرزندی بیش‌تر توسط روانشناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، محققین سعی می‌کنند وضعیت روانی و اجتماعی این فرزندان را در مقایسه با سایر فرزندان که در خانوارهای چند فرزند زندگی می‌کنند و یا رشد یافته‌اند مورد بررسی و مقایسه قرار دهند.

با توجه کاهش رشد جمعیت در دهه سوم انقلاب و افزایش نگرانی‌ها در مورد پیری جمعیت ایران پدیده کاهش باروری و افزایش تک‌فرزندی مورد توجه جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. از منظر جمعیت‌شناسی یکی از دلایل کاهش باروری، افزایش پدیده تک‌فرزندی می‌باشد بنابراین بررسی دلایل و نحوه کاهش باروری می‌تواند تا اندازه زیادی در مورد افزایش این پدیده نیز مصداق داشته باشد. متأسفانه علی‌رغم اهمیت مسئله تک‌فرزندی در جامعه ایران، تعداد مطالعات انجام شده در مورد این موضوع بسیار کم می‌باشد.

سال‌ها قبل از کشور ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، پدیده کاهش رشد جمعیت و افزایش پدیده تک‌فرزندی در کشورهای توسعه یافته ایجاد شده بود و محققان آنجا به مطالعه عوامل و عوارض آن می‌پرداختند

^۹ -McDonald

^{۱۰} -Kasarda and Billy

لذا در این گونه کشورها تعداد مطالعات مرتبط با این مسئله بسیار بیش‌تر از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. ویژگی مشترک بسیاری از مطالعات مرتبط با تک‌فرزندی این است که این تحقیقات به صورت میدانی و با استفاده از نمونه‌گیری انجام شده است. در این مطالعات ابتدا تعریف کاملاً مشخصی از پدیده تک‌فرزندی صورت می‌گیرد و سپس با توجه به این تعریف جامعه نمونه آن تعیین می‌گردد. در این قسمت به بعضی از مطالعاتی که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به پدیده تک‌فرزندی مرتبط می‌باشد اشاره شده است.

۱-۷-۱- داخل کشور

در سال ۱۳۵۵ دکتر اسماعیل عجمی یک مطالعه میدانی در شش روستای استان فارس انجام داد که نشان می‌داد بین منزلت اجتماعی-اقتصادی و باروری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بر اساس یافته‌های او میانگین تعدد بچه‌های به دنیا آمده و میانگین تعداد فرزندان زنده خانوارهای طبقه بالای روستاییان در مقایسه با ارقام مشابه در میان خانوارهای طبقه پایین به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش‌تر است (عجمی، ۱۳۵۵).

بررسی رابطه سن ازدواج و کاهش باروری و در نتیجه افزایش امکان تک‌فرزندی مورد توجه بعضی از جمعیت‌شناسان قرار گرفته است. در همین راستا هما آقا معتقد است که سن ازدواج نقش مهمی در تعیین تعداد فرزند دارد زیرا کاهش یا افزایش این سن سبب کوتاه‌تر یا طولانی‌تر شدن دوران باروری خواهد شد و متوسط فرزندان زنده به دنیا آمده با افزایش سن ازدواج کاهش می‌یابد. در همین راستا بیش‌ترین متوسط تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده هم در کل کشور و هم در مناطق روستایی و شهری از بین زنانی بوده است که در سنین ۱۰ تا ۱۴ سالگی ازدواج کرده‌اند و بالاخره اینکه روند کاهشی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده در رابطه با افزایش سن ازدواج نشان می‌دهد که پایین آمدن سن ازدواج تا چه حد بر افزایش میزان باروری اثر دارد (آقا، ۱۳۶۴).

سطح تحصیلات زنان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر باروری به شمار می‌رود. نتایج همین تحقیق نشان می‌دهد که اولاً تمایل فرزندآوری در بین زنان تحصیل‌کرده کمتر از زنان بی‌سواد می‌باشد و ثانیاً باروری در بین زنان تحصیل‌کرده کمتر از سایر زنان است. علاوه بر موارد بالا نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیلات شوهران متوسط فرزندان زنده کاهش می‌یابد. این موضوع در کل نمونه و مناطق شهری و روستایی مصداق داشته و در همه آن‌ها افراد باسواد فرزندان کمتری نسبت به بی‌سوادها داشته‌اند (همان، ۱۴).

در همین رابطه مرکز آمار ایران گزارشی را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد. بر اساس اطلاعات این گزارش می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سطح تحصیلات زنان تعداد بچه‌هایی که به دنیا آورده‌اند کاهش پیدا می‌کند به طوری که حدود ۶۲ درصد زنانی که سطح تحصیلاتشان در مقطع ابتدایی است بیش از ۲ فرزند زنده به دنیا آورده‌اند در حالی که این میزان در بین زنانی که دارای تحصیلات دیپلم بوده‌اند ۳۲ درصد بوده است، تفاوتی برابر ۳۰ درصد که اثر تحصیلات بالاتر را در کاهش تعداد فرزندان به خوبی نشان می‌دهد. در این بررسی همچنین اشاره می‌شود که این تفاوت در جامعه شهری بیش‌تر از جامعه روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹، ۳۲).

قبل از اینکه پدیده تک‌فرزندی به عنوان یک مسئله حاد جمعیتی مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گیرد، محققان حوزه سلامت فردی و اجتماعی این پدیده را مورد توجه و بررسی قرار داده بودند. یکی از این بررسی‌ها در سال ۱۳۸۲ توسط دکتر شاهرخ سردارپور و همکارانش با عنوان "بررسی اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های

تک‌فرزند و چند فرزند در شهر تهران" با هدف ارزیابی فراوانی اختلال‌های رفتاری میان کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند انجام شد. جامعه آماری این تحقیق ۸۳۷ دانش‌آموز مدارس ابتدایی شهر تهران شامل ۴۲۲ کودک تک‌فرزند و ۴۱۵ کودک از خانواده‌های چند فرزند بود که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند. نتایج این بررسی نشان داد که میزان فراوانی اختلال سلوک بر اساس گزارش پدران و مادران و اختلال کمبود توجه بیش‌فعالی و سایر اختلال‌های رفتاری بر اساس گزارش آموزگاران در کودکان خانواده‌های چند فرزند به مراتب بیش‌تر از تک‌فرزند می‌باشد. همچنین حضور و یا عدم حضور یکی از والدین در تفاوت اختلال‌های رفتاری یاد شده بین کودکان تک‌فرزند و چند فرزند دخالت دارد، به‌طوری‌که تعامل دو عامل تک‌فرزندی و تعداد والدین، تغییردهنده میزان فراوانی اختلال‌های مربوطه می‌باشد. نتیجه حاصله این‌که، این باور که فراوانی مشکلات رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند بیش‌تر است در این پژوهش تأیید نشد (سردارپور، ۱۳۸۲).

در سال ۱۳۸۹ دکتر محمد جلال عباسی شوازی و همکارانش با کمک پژوهشکده آمار ایران تحقیقی را با عنوان تحولات باروری در ایران انجام دادند. آن‌ها با استفاده از داده‌های سرشماری سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ و با استفاده از روش فرزندان خود میزان‌های باروری به تفکیک گروه‌های سنی و استان‌ها را محاسبه و مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، تفاوت استانی باروری تا اندازه‌ای با نظریه مدرنیزاسیون قابل تبیین است. استان‌هایی که از وضعیت اقتصادی اجتماعی و به ویژه سطح سواد پایین‌تری برخوردار بوده‌اند از سطح باروری بالاتر، و بالعکس استان‌های توسعه‌یافته از جمله گیلان، تهران، یزد، اصفهان و سمنان باروری پایین‌تری نسبت به کل کشور و نیز نسبت به سایر استان‌ها نشان داده‌اند. با این حال دامنه اختلافات باروری استان‌ها در سال‌های اخیر نسبت به کل کشور و در مقایسه با سایر استان‌ها کمتر شده است (عباسی شوازی، ۱۳۸۹).

همان‌طوری که قبلاً نیز اشاره شده بود، یکی از عوامل مؤثر در تعیین تعداد فرزند، تمایل و یا انتخاب خانواده می‌باشد. در این راستا دکتر امیر عرفانی دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه نیپسینگ^{۱۱} کانادا با حمایت مالی و علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و با مشارکت این دانشگاه پژوهشی درباره پیمایش نیات باروری تهران در تابستان سال ۱۳۹۱ انجام داده است. این پیمایش با هدف بررسی میزان‌ها، رفتارها، ترجیحات و نیات باروری و روندهای آن‌ها در نمونه‌ای بالغ بر ۲۲۶۷ نفر از زنان متأهل ۱۵-۳۵ ساله و مردان متأهلی که همسرشان کمتر از ۳۶ سال سن داشتند و ساکن مناطق ۲۲گانه شهر تهران بودند انجام شده است.

براساس یافته‌های این پیمایش، از جمع پاسخ‌گویانی که گفته‌اند فرزند نمی‌خواهند، ۹ درصد پاسخگویان بدون فرزند، می‌خواهند تمام زندگی بدون فرزند باقی بمانند: مردان بدون فرزند دو برابر زنان بدون فرزند (۱۲ درصد در مقابل ۶ درصد) هیچ فرزند نمی‌خواهند، در حالی‌که با آمدن اولین فرزند، زنان بیش‌تر از مردان دیگر هیچ فرزند نمی‌خواهند. همچنین ۳۴ درصد تک‌فرزندها و ۸۱ درصد دارندگان دو فرزند، دیگر هیچ فرزند نمی‌خواهند. بیشترین درصد با نیت باروری مردد و نامطمین (۲۳ درصد) در میان تک‌فرزندها دیده می‌شود. همچنین مهم‌ترین دلایل نخواستن فرزند (یا فرزند دیگر) از ۴۰ درصد کل پاسخگویان که قصد دارند در آینده هیچ فرزند (یا فرزند دیگر) نداشته باشند پرسیده شد. از میان کل دلایل اظهار شده برای نخواستن فرزند، "عدم توانایی

^{۱۱} -Nipissing

برای تامین هزینه‌های فرزند دیگر (۲۷ درصد)، "داشتن تعداد مورد نظر فرزندان" (۲۵ درصد)، "تداخل فرزندآوری با علایق، تفریحات، و برنامه‌های کاری و تحصیلی" (۱۶ درصد)، و "نگرانی نسبت به آینده فرزندان" (۱۵ درصد) به ترتیب به عنوان مهم‌ترین دلایل نخواستن فرزند (یا فرزند دیگر) ذکر شده‌است.

در این تحقیق چنین نتیجه‌گیری شده است که گسترش هنجارهای مخالف؛ داشتن خانواده بزرگ در میان والدین، خویشان، دوستان و شبکه‌های اجتماعی‌ای که فرد به‌طور تنگاتنگ با آن‌ها در ارتباط است، می‌تواند عامل تشویق‌کننده‌ای برای انتخاب الگوی خانواده بی‌فرزند و یا تک‌فرزند باشد.

و بالاخره در این بررسی توصیه شده است که دولت ایران می‌باید افرادی را که حاضرند بچه‌دار شوند اما امکاناتش را ندارند تقویت کند. هر چند که علی‌رغم این توصیه، به تجربه دیگر کشورهای دنیا اشاره می‌شود که در سیاست‌های جمعیتی، راهکارهای تشویقی اقتصادی خانوار، شکست خورده و تاثیر چندانی در افزایش زاد و ولد نداشته است و عامل فرهنگی نقش مهم‌تری دارد (عرفانی، ۱۳۹۱).

فروتن و همکاران (۱۳۹۱) معتقد هستند در حالی که عظمت خانواده و استحکام پیوندهای زناشویی از مهم‌ترین خصوصیات دوران گذشته (موسوم به عصر طلایی) تلقی می‌گردید، خانواده‌ی معاصر دست‌خوش چنان تحولات بنیادین شده‌اند که دوران جدید در قالب اصطلاحاتی همچون "عصر طلاق" و "انقلاب طلاق" توصیف شده است. مطابق یافته‌های این تحقیق، گرچه روند تصاعدی میزان طلاق به‌طور کاملاً چشم‌گیرتری در جوامع صنعتی به وقوع پیوسته است، با این همه، میزان طلاق در ممالک جهان سوم از جمله ایران نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. به‌علاوه، خانواده‌ی معاصر با پدیده‌های نوظهوری (مانند خانواده‌ی تک والدی، خانواده‌ی تک‌فرزندی، بی‌فرزندی، زوج زیستی) مواجه شده است که غالباً ارتباط تنگاتنگی نیز با تشدید میزان طلاق دارند.

۱-۷-۲- خارج کشور

علی‌رغم کشوریایی مانند ایران که به تازگی توجه زیادی به مسئله کاهش باروری و تک‌فرزندی داشته‌اند، بررسی پدیده تک‌فرزندی در کشورهای پیشرفته سابقه طولانی دارد. در این قسمت به پاره‌ای از این مطالعات اشاره می‌شود.

۱-۷-۲-۱- تمایل به تک‌فرزندی

در کشور انگلستان مطالعات زیادی در زمینه باروری و تک‌فرزندی انجام شده‌است. در همین راستا جفریز شیوع تک‌فرزندی در خانواده‌های بریتانیا و ویژگی‌های زنانی که دارای چنین خانواده‌هایی هستند را در سال ۲۰۰۱ بررسی کرد. وی با مقایسه شیوع تک‌فرزندی در خانواده‌های بریتانیا با دیگر کشورهای اروپایی از سه رویکرد متفاوت برای بررسی خانواده‌های تک‌فرزند استفاده کرد. در ابتدا اندازه خانواده زنانی که به سن ۴۵ سالگی رسیده‌اند به منظور اکتشاف مشخصه‌های آن‌هایی که دارای یک فرزند هستند در مقابل آن‌هایی که دو یا بیش از دو یا بدون فرزند هستند، مدل‌بندی شد. سپس تمایل زنان به باروری در بخش‌های صفر و یک مدل‌بندی می‌شود تا این‌که عوامل مرتبط با تمایل آنان به منظور اینکه فقط یک فرزند داشته باشند یا شروع به فرزندآوری کنند، شناسایی شود.

با وجود اینکه به نظر می‌رسد اندازه خانواده در بریتانیا در حال افول است اما در مقایسه با بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی که تک‌فرزندی هم در قصد آنان و هم در باروری واقعی آن‌ها نمایان است، در بریتانیا نسبت زنانی که سال‌های باروری خود را با تک‌فرزندی به پایان می‌رسانند نسبتاً پایین است. بررسی اندازه خانواده و همچنین تمایل زنان به بی‌فرزندی در بریتانیا نشان می‌دهد که حالت بدون فرزند نسبت به تک‌فرزندی بیش‌تر پذیرفته شده است. تعداد کمی از زنان بدون فرزند قصد دارند فقط یک فرزند داشته باشند، اگر چه زنانی که یک فرزند داشته‌اند تمایل دارند که در یک فرزند متوقف شوند.

اطلاعات بعضی از منابع کیفی نشان می‌دهد که برخی از زنان بریتانیا به طور جدی علاقه به انتخاب یک خانواده تک‌فرزند دارند، اما اهمیت کم متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در مدل جفریز از پیشنهاد لایبورن^{۱۲} در سال ۱۹۹۴ پشتیبانی می‌کند که چنین انتخابی ممکن است در میان زنان بسیار تحصیل کرده و مشتاق شغل، رایج‌تر باشد (جفریز، ۲۰۰۱).

اندرسن با استفاده از اطلاعات سرشماری ۱۹۱۱ و ۱۹۴۶ نشان می‌دهد که بین گروه‌های متاهل ۱۸۷۰-۷۹ و ۱۹۲۵، میانگین اندازه خانواده از ۵/۸ تا ۲/۲ فرزند اظهار شده است. در حالی که درصد ازدواج‌های دارای یک فرزند به‌طور پیوسته از ۵/۳ درصد تا ۲۵/۲ درصد رشد داشته است و همچنین ازدواج‌های بدون فرزند دوبرابر شده است. برعکس، میانگین اندازه خانواده در زنان متولد بین ۱۹۲۰ و ۱۹۳۵ از ۲ تا ۲/۴۲ عدد افزایش یافته است. هدف مطالعه وی بررسی تغییرات جمعیت‌شناسی بریتانیا در دوره ۱۸۵۰ تا ۱۹۳۰ بوده است. روش-شناسی اندرسن بر مبنای تحلیل توصیفی و رگرسیونی هستند که به توزیع‌های درون جوامع و عواملی که بر بخش‌های مختلف آن اثر گذارند، حساس هستند. نتیجه بررسی وی نشان داد که وضعیت در حال توسعه کشورهای درگیر جنگ جهانی دوم، بر استراتژی‌های فرزند آوری خانواده‌ها در طول زمان تأثیرگذار می‌باشد (اندرسن، ۱۹۹۸).

مانند هر اندازه خانواده‌ای، می‌توان مزایای خانواده تک‌فرزند را از دیدگاه والدین بررسی کرد. جفریز (۲۰۰۱) تأکید می‌کند که در مقایسه با خانواده بزرگ‌تر، هزینه‌های گوناگون بچه‌داری در خانواده‌های تک‌فرزند کاهش پیدا می‌کند. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های مالی مستقیم از قبیل غذا و لباس و همچنین هزینه‌های غیرمستقیم از قبیل درآمد از دست رفته مادران است. یک فرزند ممکن است اثر کمتری بر روابط بزرگسالان و فعالیت‌های فراغت داشته باشد و همچنین اثر کمتری بر بدن زن نسبت به بارداری مکرر دارد. در ارزیابی خطر از هم‌پاشیدگی خانواده در آینده، زنان ممکن است دریابند که مراقبت از یک فرزند راحت‌تر از مراقبت از دو کودک یا بیش‌تر است. حتی می‌توان گفت سیاست‌های دولت به نفع فرزند اول است تا نسبت به تولدهای بعدی، به‌طوری که مزایای داده شده به والدین برای فرزند اول ۵۰ درصد بیش‌تر از فرزندان بعدی است.

استدلال مقابل این پیشنهاد که تک‌فرزندی کم هزینه است این است که برای فرزند اول بیش‌ترین هزینه انجام می‌شود و هزینه‌های حاشیه‌ای کودکان پس از آن به احتمال زیاد بسیار پایین‌تر است. تجهیزات و اسباب بازی کودک اولین بار خریداری خواهد شد. با داشتن تجربه زمان صرف شده برای فرزند اول، برای فرزند دوم زمان کمتری صرف می‌شود و همچنین با توجه به اینکه فرزند نخست، تغییرات در شیوه زندگی والدین را موجب شده است بنابراین فرزند دوم تغییرات و اثرات کمتری نسبت به فرزند اول بر زندگی والدین دارد. با این حال، حتی

^{۱۲} - Laybourn

اگر هزینه فرزندان بعدی کمتر از فرزند اول باشد، هنوز این احتمال وجود دارد که یک کودک گزینه «ارزان ترین» برای کسانی باشد که مایل به داشتن تجربه به عنوان والدین هستند (دیویس و همکاران، ۲۰۰۰). در واقع، آن‌ها تخمین می‌زنند که به‌طور متوسط در دهه ۱۹۹۰، زنان با مهارت بالا که تنها یک فرزند داشته‌اند هرگز از درآمد خود در زندگی چشم‌پوشی نخواهند کرد. همچنین آن‌ها تأکید کردند که بریتانیا یکی از کشورهایی است که تعداد فرزندان در خانواده‌ها یکی از عوامل مهم در مشارکت نیروی کار است.

از دیگر جنبه‌های مثبت تک‌فرزندی این است که والدینی که تنها یک فرزند دارند قادر خواهند بود بیش‌ترین درآمد خود را صرف پرورش فرزند خود کنند و فرزند مجبور نخواهد بود برای در اختیار داشتن وقت والدین با فرزندان دیگری رقابت کند. این موضوع هم برای فرزند سودمند است و هم موجب رضایت عاطفی والدین است. جفریز (۲۰۰۱) همچنین با توجه به سایر تحقیقات انجام شده تأکید می‌کند که مادران شاغل غالباً به دلیل نقش‌های چندگانه خود احساس گناه می‌کنند و ترجیح می‌دهند زمان محدود مربوط به فرزندان را با یک فرزند صرف کنند تا اینکه وقت کافی برای دو فرزند یا بیش‌تر صرف کنند.

اما تک‌فرزندی معایبی نیز دارد. والدین قادر نخواهند بود فرزندان از هر جنس داشته باشند یا شخصیت‌های مختلف فرزندان خود را تجربه کنند. بلیک (۱۹۶۸) خاطرنشان می‌سازد که داشتن تنها یک فرزند، دوره زندگی را که فرد از بچه‌ها لذت می‌برد محدود می‌کند. والدین مجبورند زمان بیش‌تری صرف تک‌فرزندی کنند که هیچ خواهر یا برادری برای همبازی ندارد، گرچه برعکس، آن‌ها مجبور نیستند با کشمکش و حسادت فرزندان به یکدیگر مواجه باشند.

به عبارت دیگر، گزینه تک‌فرزندی برای آن‌ها که می‌خواهند تجربه پدر و مادری داشته باشند و در عین حال برای شغل خود یا اوقات فراغت وقت کافی داشته باشند می‌تواند انتخاب مناسبی باشد. اما همان‌طور که کوهلر (۲۰۰۰) بحث می‌کند در نظر گرفتن جنبه فردی باروری، هنگامی که تصمیم‌ها در یک محیط اجتماعی اتخاذ می‌شود کافی نیست. در مورد خانواده‌های تک‌فرزند بریتانیایی، فقدان موافقت اجتماعی می‌تواند به عنوان دلیل اصلی در عدم توقف تک‌فرزندی در نظر گرفته شود.

مطالعه باروری کانادا در سال ۱۹۸۴، نشان داد که نسبت بیش‌تری از پاسخ دهندگان اعتقاد دارند که والدین به این دلیل فرزند دوم داشتند که محیط بهتری برای فرزندان ایجاد کنند این موضوع در مقابل با والدینی بود که اعتقاد به رضایت شخصی خود داشتند (جفریز، ۲۰۰۱؛ بورش، ۱۹۹۱). بررسی مشابهی در استرالیا در دهه ۱۹۸۰ از ۳۸ زن نشان داد که داشتن هم‌نشین برای فرزند اول، اولین دلیل برای داشتن فرزند دوم بوده است. در حالی که لذت داشتن فرزند دوم به عنوان دومین دلیل، در نظر گرفته شده است. به علاوه چندین زن که تک‌فرزندی را متوقف کرده‌اند عنوان داشته‌اند که دلیل آن‌ها برای داشتن فرزند دوم این بوده است که سرزنش دیگران نسبت به خود را متوقف کنند (کالان، ۱۹۸۵).

۷۱ درصد از بریتانیایی‌ها در سال ۱۹۷۹ داشتن دو فرزند را ایده‌آل می‌دانستند که بیش‌ترین درصد در جامعه مشترک اقتصادی اروپا بود، در حالی که تنها ۲ درصد، تک‌فرزندی را ایده‌آل می‌دانستند (جفریز، ۲۰۰۱؛ جرارد و روسل، ۱۹۸۲).

۱-۷-۲-۲- تک‌فرزندی و تحصیلات

مطالعات متنوع در ایالات متحده نشان می‌دهد تحصیلات با اندازه خانواده رابطه منفی دارد. در مطالعات اجتماعی این موضوع غالباً با استفاده از بحث منابع متناهی توضیح داده می‌شود. والدین برای تخصیص آموزش به فرزندان خود، زمان، پول و صبر محدود دارند و والدین با فرزندان کمتر روی هر فرزند سرمایه‌گذاری بیشتری می‌توانند داشته باشند. این نظریه متناهی بودن منابع، به خوبی با مفهوم کلاسیک رابطه جایگزینی کیفیت-کمیت در اقتصاد خانواده منطبق است (بیکر، ۱۹۹۱ و بیکر و تامس، ۱۹۷۶).

بوگ در خصوص باروری و تحصیلات از تحقیقات خود نتیجه‌گیری کرد که تحصیلات نسبت به هر متغیر دیگر با باروری دارای یک رابطه قویتر و استوارتری است. کشور تایلند نمونه‌ای از این رابطه نوعی و معکوس را ارائه می‌دهد. در سال ۱۹۶۰ میانگین موالید زنان ازدواج کرده ۵۰ ساله و بیشتر برای زنان بی سواد معادل ۵/۷ و برای زنان با تحصیلات ابتدایی ۵/۲ و برای زنان با تحصیلات متوسطه ۳/۴ بود. نتایج بررسی‌های بهداشتی و جمعیتی نشان داده‌اند که در تایلند در فاصله ۸۷-۱۹۸۲ زنان بی‌سواد دارای میزان باروری معادل ۳/۵ بودند در حالی که میزان فوق برای زنان با تحصیلات عالی معادل ۱/۴ بود (لوکاس، ۱۳۸۴، ۹۹).

۱-۷-۲-۳- سیاست‌های دولتی و تک‌فرزندی

کشور چین دارای یکی از شاخص‌ترین تجارب سیاست‌های تنظیم باروری می‌باشد. در همین رابطه هو (۲۰۰۹) به بررسی سیاست تک‌فرزندی در چین پرداخته و مزایا و معایب آن را برشمرده است. سیاست تک‌فرزندی به عنوان یکی از سیاست‌های ملی اساسی چین از سال ۱۹۷۸، مزایا و معایبی برای خانواده‌های تک‌فرزند در مناطق شهری چین داشته است.

بعد از اجرای سیاست تک‌فرزندی، تغییرات زیادی در زمینه اجتماعی اقتصادی به وجود آمده است و زنان فرصت‌های بیشتری برای ارتقای وضعیت اجتماعی خود و ورود به عنوان نیروی کار دارند. در برخی از مناطق شهری، زنان زندگی شخصی خود را دارند و از لحاظ اقتصادی دارای استقلال بیشتری هستند. آن‌ها آزادی انتخاب بیشتری در طراحی باروری خود دارند. وقتی زنان نیاز به صرف انرژی بیشتری در شغل خود داشته باشند ترجیح می‌دهند از سیاست تک‌فرزندی حمایت کنند.

به‌طور کلی برخی از زنان مناطق شهری، خواهان پذیرش سیاست تک‌فرزندی هستند و مشوق‌های اقتصادی و اشکال دیگر پاداش، پذیرش و اجرای کنترل باروری آن‌ها را تشویق می‌کند.

هو همچنین با اشاره به تحقیقات "ینگ یی"^{۱۳} (پویایی خانواده در چین) اضافه می‌کند که خانواده‌های تک‌فرزند در بسیاری از زمینه‌ها راهکارهای متفاوتی در پرورش کودک در مقایسه با خانواده‌های سنتی چین دارند.

او همچنین اضافه می‌کند که شرایط اقتصادی در چین امروز بسیار بهتر از این شرایط در اوایل انقلاب چین است. همانگونه که منابع بیشتری در دسترس مصرف‌کنندگان است والدین نیز شانس بیشتری برای ارائه چنین منابعی به کودکان دارند. نسبت پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها برای مراقبت از نوه‌ها مطلوب بوده است و علاوه بر این نهادهای مدرسه‌ای نسبتاً خوبی برای مراقبت از کودکان در مناطق شهری وجود دارد.

^{۱۳} -Zeng Yi

از نظر هو می باید فرزندان دهه ۱۹۸۰ را در مقایسه با والدین خود به طور قابل توجهی به عنوان امپراطوران کوچک در نظر گرفت. اما از سوی دیگر آن‌ها استرس بیشتری در رقابت برای ورود به بهترین مدارس با بالاترین سطح آموزشی و برای شغل در بازار کار، نسبت به نسل قبلی خود خواهند داشت.

۱-۷-۲-۴- تک‌فرزندی و عوامل اقتصادی

ویلیام لیژ دانشجوی دوره دکتری رشته اقتصاد در خصوص نقد نظریه گذار جمعیتی (نظریه رابطه رفتارهای باروری و توسعه اقتصادی)، در اوایل دهه ۱۹۶۰ با استفاده از داده‌های ۴۹ استان کشور اسپانیا، رساله خود را در مورد کاهش باروری در این کشور نوشت. نتایج تحقیقات او نشان داد که تاریخچه تغییرات باروری در اسپانیا، با استفاده از شکل ساده نظریه گذار جمعیتی تبیین کردنی نیست. برای مثال در این کشور میزان باروری در مناطق همجواری که از نظر فرهنگی شبیه بودند، با وجود تفاوت داشتن از نظر توسعه اقتصادی و شهری، کاهش یافته بود. (ویکس، ۱۳۸۵، ۱۱۶)

در خصوص ارتباط درآمد و باروری می‌توان به تجربه آمریکا اشاره کرد. هر سال در پیمایش جمعیت جاری که در اداره سرشماری ایالات متحد به انجام می‌رساند، از زنان آمریکایی در مورد رفتارهای باروری‌شان پرسش می‌شود. بر اساس این داده‌ها چنین می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از سن یا شاغل بودن زن، هر چه خانواده از رفاه اقتصادی بالایی برخوردار باشد، بیشتر احتمال دارد که تعداد فرزندان کم‌تر باشد (همان، ۲۴۸).